

آهنگه در ویلا پس ملت ده فرصت ده ای محمد این کاوان را صلت ده انگ
یعنی روزی چند زن ده ایشان را تو چیل کن در دعا کردن برایشان که ما ایشان را با هم که می
چنانک در جنگ بدر کدیم نصیب در ویش اینست که تا تو اند دعا بد کنی بدیشان خود
و محبت و عداوت خلق را از حق میندوش که گوید که از سگزان نیست هر محمدی را از جانی
باشد و ابوبکر نیز باید در جحیم سوزان هم بولیده باشد

بسم الله الرحمن الرحيم
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّي الْأَعْلَى يَا دَاكِنُ أَيُّهَا مُحَمَّدُ خَدَايَ خُودَ رَاكِنُ بَرْتَرَاكِنُ اَرْسَمُ
بقدر و استیلا بجان و بقول بعضی باکی با دکن نام پروردگار خود را و بقول بعضی گوی
سبحان ربی الاعلی پس فرمود رسول صلی الله علیه و سلم در سجده بگوید سبحان ربی الاعلی پس
از اینست چنانکه فرمودم بهم ربك العظیم پس فرموده که بگوید در ركوع سبحان ربی العظیم معشوم
لفظ امر را دست الی خلق هستوی آن خدای که فرموده در سجده را پس است کرده
مخلوق را چنانک خواست آدمی را بشکل دیگر و اسباب بشکل دیگر و استرا بشکل دیگر
هر یکی را چنانک می بایست آفرید چنانک با لغز و الی قَدَرُ فَهَدَاكَ اَنْ
خدای که اندازه کرد روز بهار و غم آن گوی پس راه نمودم طلب هر چیزی را با آنچه
بایست در الهامات الهی برایشان را و حیوانات را و طلب کردن دار و

و قهر با حکمت بزرگت در کشف و کوشش آورده است که چون ما را فی کور شود
الحامد و یحیی تعالی مرویرا که یک با دیار بخشیم بالذینا کرد و پس راه نمود بحاصل کردن
ایمان امام حمزه دکنای قدر تحفیف خوانده اند و باقی قرآنتشید خوانده اند و الی
اَسْحَرُ الرَّحْمَیْمَ بِجَعْلِهِ عَثَاوُ اَسْحَرُی اَنْ خَدَايَ كَرَمُونِ اَوْرِدْ جَرَاكَه اَلْاَسْبُزْ وَ تَارَه
و پر کل و ریاجین پس گردانیدم خشک در یزید از برای ستوران شما در سفر و حضر و علیها
آماده تا سگرا گویند در زمین خانی از خشک نفع گیرند و در تابستان از سبزه و تازه
و شلانی و دیولاتی برای ستوران شما پیدا آورده و از برای شما نیز بهشتی و دو
پا فرید جل جلاله نسیب فرماید مراینه قرآن خوان کریم ترا و قیل مراینه خوانا کردم
ترا فلان تنسی پس فراموش کن اَلَا مَا اَسْأَلُ اللهَ مَكَرًا اَنْ خَدَايَ تَعَالَى خَوَابِ اَنْ
کند پس تو فراموش کنی از لفظ و معنی چون منسوخ شود فراموش شود اَللهُ یَعْلَمُ
الْجَهْرُ وَ مَا یَخْفَى بِدَرْجَتِی كَخَدَايَ تَعَالَى سَمِعْتُ اَنْدَ اَشْكَارًا وَ پنهان را پس آنچه خواهد
کوش کند فراموش کرده اند بر تو از فراموشش که اند چونک اوست دانای بصیر خلق
هر آنچه را چه بدینش کند و یَسِّرُ لَكَ اَللّهُ سَهْلًا و آنست که نیم ترا عمل نیک را از برای ایشان
یعنی آسان کنی راه بهشت را یعنی از وزن آنچه آسان تر باشد ثابت و از هر آنچه خواهد
باشد آنچه نیم فلان پس و عظم گوی قرآن و بهشت اِنْ نَفَعْتَ اَللّٰهَ